

دکتر حمیدرضا نیکبخت



آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی





پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني

● مقدمه

در سالهای اخیر «قوه قاهره و انتفای قرارداد» به صورت کلی مورد بحث و بررسیهای نسبتاً گسترده مقاله‌های حقوقی^۱ و تحقیقات دانشگاهی^۲ قرار گرفته‌اند. بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دعاوی بسیاری در ارتباط با قراردادها مطرح شده‌اند که اگر نه در همه بلکه در غالب آنها بحث قوه قاهره یا انتفای قرارداد، به لحاظ وجود مصادیقی از موضوع که در رأس آنها انقلاب و اعتصابها و جنگ می‌باشد، مطرح بوده است.^۳ لذا ضرورتی دیده نمی‌شود که به بررسی مفصل و مجدد آنچه تاکنون انجام شده و نیز به مسائلی که روشن و واضح گردیده پرداخته شود. در مقاله حاضر سعی می‌شود بخشی از موضوع قوه قاهره و

۱. به عنوان نمونه مراجعه شود به: صفایی، دکتر سید حسین، «قوه قاهره یا فورس ماژور»، مجله حقوقی، ۱۳۶۴، شماره ۳، ص. ۱۱۳؛ مؤمنی، دکتر فرامرزی، «عقیم شدن قراردادهای تجاری با تأکید بر حقوق انگلیس»، مجله حقوقی، ۱۳۶۸، شماره ۱۰.

۲. به عنوان نمونه رجوع شود به: پایان نامه‌های کارشناسی ارشد، کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران.

۳. برای دیدن نمونه مراجعه شود به: فهرست راهنمای (Index) مجموعه گزارشهای دیوان دعاوی ایران و آمریکا از سال ۱۹۸۱ تاکنون، به زبان انگلیسی: "Iran - United States Claims Tribunal Reports", Grotius Publication Limited 1981 - 1996.

انتفای قرارداد که بیشتر در عمل مطرح می‌باشد و تاکنون هم چندان مورد بررسی قرار نگرفته، مورد تحلیل قرار گیرد، و آن عمدتاً به آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد مربوط می‌شود.

بنابراین، در این مقاله به بررسی آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد با توجه خاص به قراردادهای خصوصی، پرداخته خواهد شد. برای این منظور لازم است که در قسمت اول مروری داشته باشیم بر کلیاتی در ارتباط با تعریف قوه قاهره و انتفای قرارداد و مصادیقی از این دو دکتترین و سپس در قسمت دوم به تأثیر قوه قاهره و انتفای قرارداد بر قرارداد یا تعهدات طرفین پرداخته شود. در قسمت سوم مقاله نیز اثر این دو نهاد حقوقی بر خسارت وارده به طرف قرارداد (مسئولیت متعهد) مورد تحقیق قرار خواهد گرفت. در این قسمت مشخصاً تأثیر اطلاع دادن یا ندادن وقوع یا وجود حالت قوه قاهره و انتفای قرارداد به طرف دیگر قرارداد بر مسئولیت متخلف از قرارداد تحت بررسی خواهد بود و در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

قسمت ۱

تعریف و مصادیق قوه قاهره و

انتفای قرارداد

در زبان فارسی قوه قاهره یا قوه قهریه را معادل «فورس ماژور»^۱ که یک اصطلاح فرانسوی است استعمال می‌نماییم. عبارت فورس ماژور در زبان فرانسه از دو کلمه «فورس» به معنای نیرو یا قوه و «ماژور» به معنای بزرگتر یا عمده تشکیل شده است و ترکیب این دو کلمه در معنای نیروی بزرگ غیر قابل مقاومت یا حادثه‌ای که شخص نمی‌تواند از آن جلوگیری کند و مسؤول آن هم نیست

4. Force Majeure.

بکار می‌رود.^۳ قوه قاهره در قانون مدنی فرانسه بکار رفته اما تعریفی از آن به عمل نیامده است.^۴ آقای دکتر صفایی ضمن بیان اینکه در حقوق فرانسه فورس ماژور دارای معنای عام و معنای خاص است به نقل از فرهنگ اصطلاحات حقوقی فرانسوی Lexique de Terms Juridiques می‌نویسند: «در تعریف «فورس ماژور» چنین آمده است: حقوق مدنی- به معنای عام، هر حادثه غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب است که متعهد را از اجرای تعهد بازدارد. فورس ماژور موجب برائت است. فورس ماژور به معنی خاص، در مقابل حادثه غیر مترقبه قرار می‌گیرد و عبارت از حادثه برونی است؛ بدین معنی که حادثه باید کاملاً بیگانه با شخص متعهد باشد (نیروی طبیعی، عمل دولت، عمل شخص ثالث)».^۵ بنابراین از نظر حقوقی حادثه ای قوه قاهره محسوب خواهد شد که اولاً، غیر قابل اجتناب باشد، ثانیاً، غیر قابل پیش بینی باشد و ثالثاً، خارجی باشد.

در فرهنگ فارسی قوه به معنای قوت، زور، قدرت، نیرو و قاهره به معنای غالب، مقهور کننده و چیره می‌باشد.^۶ در قانون مدنی ایران نیز نه تنها تعریف جامعی از عبارت قوه قاهره وجود ندارد بلکه این عبارت بکار هم نرفته است.^۷ اما

۵. به عنوان مثال، در فرهنگ لغات فرانسوی رُبرت «فورس ماژور» چنین معنا شده است.

"evenement qui n'a pu être prévu ni empêché, ni surmonté et qui libère le débiteur de son obligation", La Robert Dictionnaire Alphabetique et analogique la langue française, Edition, SNL, Le Robert, Paris, 1988.

۶. ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه با دربر داشتن عبارات Cas fortuit و force majeure قوه قاهره و حوادث غیر مترقبه را در حقوق مدنی فرانسه پیش بینی می‌کند.

۷. صفایی، دکتر سید حسین؛ «قوه قاهره یا فورس ماژور»، مجله حقوقی، ۱۳۶۴، شماره ۳، ص ۱۱۳.

۸. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین.

۹. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران به عنوان قواعد مربوط به قوه قاهره محسوب می‌شوند و علی‌رغم این که گفته شده است که ماده ۲۲۷ قانون مدنی ایران از ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است (جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر حقوق تعهدات، ص ۲۸۲) فاقد تعریف و تصریح قوه قاهره می‌باشند، امامی، دکتر سید حسن؛ «حقوق مدنی»، جلد ۱، ص ۲۴۱. بند ۴ ماده ۱۳۱۲ قانون مدنی اشاره به حوادث غیر مترقبه دارد. اما در ماده ۷۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۳۱ و ۱۵۰ قانون دریایی از قوه قاهره و قوه قهریه نام برده می‌شود.

حقوقدانان ایرانی از قوه قاهره تعریفی تقریباً مشابه تعریف حقوقی فرانسوی ارائه می دهند. مثلاً در تعریفی چنین آمده: «آنچه قابل پیش بینی نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد و متعهد را در حالت عدم قدرت بر اجرای تعهد خویش قرار دهد و یا موجب معافیت کسی که به علت عدم توانایی خسارتی به متعهدله، خود یا متضرر دیگری وارد کرده است گردد، مانند حریق که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه او نتواند سفارشات را که قبول کرده به انجام برساند...»^{۱۰}

در خصوص مصادیق قوه قاهره، سیستمهای حقوقی مختلف ساکت هستند. از این رو تعیین مصداق اولاً، بستگی به توافق طرفین دارد و ثانیاً در صورت فقدان توافق بستگی به نظر دادگاه خواهد داشت که هر علت یا حادثه ای را که دارای خصوصیات مذکور در تعاریف بالا ببیند قوه قاهره محسوب نماید. اما رویه قضایی و آرای بین المللی و نظر علمای حقوق موارد بسیاری را از قبیل وقوع جنگ، انقلاب، اعتصاب، شورش، سیل، زلزله، آتش سوزی به عنوان مصادیق قوه قاهره بر شمرده اند. لذا در غالب قراردادهای بخصوص قراردادهای بین المللی، طرفین با توافق و نظر خود قوه قاهره را تعریف و مصادیق آن را بصورت شرط قرارداد ذکر می نمایند.^{۱۱} در خصوص توافق طرفین در مورد قوه قاهره باید در نظر داشت که قاعدتاً قواعد قانونی مربوط به قوه قاهره در سیستمهای حقوقی از قواعد تخییری یا

۱۰. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر؛ «ترمینولوژی حقوق»، ص ۵۵۳.

۱۱. به عنوان نمونه در یک قرارداد بیمه‌نکاری ممکن است چنین شرط شود: قوه قاهره حادثه ای است که خارج از کنترل آن طرفی است که ادعا می کند تحت تأثیر آن قرار گرفته و بر اجرای تعهد وی اثر نامطلوب گذاشته از جمله، جنگ، تجاوز خارجی، عمل دشمنان، انقلاب، طغیان و شورش، اعتصاب، تعطیل کار از طرف اشخاص ثالث، آشوب داخلی، اعمال اشخاص بد خواه از طرف یا در ارتباط با گروهها یا سازمانهای خاص... در صورتی که اجرای قرارداد به لحاظ حوادث ذکر شده در بالا به مدت [مثلاً ۴ ماه] یا هر مدتی که طرفین توافق کنند، متوقف شود، هر یک از طرفین می تواند با یک اخطار [مثلاً یک ماهه] به دیگری قرارداد را خاتمه دهد یا منحل نماید یا ممکن است به طور خلاصه در قرارداد چنین شرط شود که هر یک از طرفین برای قصور و تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی که به لحاظ جنگ، جنگ داخلی، اعتصاب، شورش و هر واقعه ای که خارج از کنترل عرفی و بدون تقصیر آن طرف می باشد، مسؤول نخواهد بود.

تفسیری محسوب می شوند و لذا توافق طرفین برخلاف آن قواعد معتبر می باشد. بنابراین در چنین قراردادی قوه قاهره در همان حد قاعده قراردادی توافق شده (قصد طرفین) تفسیر خواهد شد.^{۱۲}

انتفای قرارداد یا عقیم شدن قرارداد را معادل فارسی واژه انگلیسی فراستریشن^{۱۳} بکار می بریم. دکترین فراستریشن قرارداد از نهادهای نظام حقوقی کامن لا و مشخصاً سیستم حقوقی انگلستان می باشد و کاربرد آن با تفاوت‌های خاصی مشابه قوه قاهره در نظام حقوقی نوشته می باشد. فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی انتفای قرارداد را چنین تعریف کرده است: «هنگامی که واقعه یا تغییر اوضاع و احوال آن چنان اساسی است که بر بنیان قرارداد به طور کلی (یکجا) تأثیر می گذارد و فراتر از حد انتظار چیزی است که مورد نظر طرفین بوده است، قرارداد منتفی (عقیم) شده محسوب می شود».^{۱۴} در تعریف مفهوم حقوقی منتفی شدن قرارداد، علمای حقوق انگلستان می گویند منتفی شدن قرارداد تنها زمانی واقع می شود که متعاقب انعقاد قرارداد، وضعیت اساساً متفاوتی به طور غیرمنتظره رخ دهد و در واقع اجرای قرارداد به صورتی که مورد نظر طرفین بوده است غیرممکن شود.^{۱۵} در سیستم حقوقی انگلستان، بیان کلاسیک دکترین انتفای قرارداد توسط لرد راد کلیف در پرونده

"Davis Contractors Ltd., v. Fareham Urban, District Council

ارائه گردیده است. وی می گوید:

۱۲. در سیستم حقوقی انگلستان مواردی وجود دارد که دادگاه خلاف توافق طرفین در خصوص مواردی که جزء قوه قاهره محسوب می شوند تصمیم گرفته است. بعنوان نمونه مراجعه شود به: Jackson v. Union Marine Insurance Co., Ltd., (1847), L.R. 10 CP 125; Pacific Phosphate Co., Ltd., v. Empire Transport Co., Ltd., (1920), 36 TLR. 750.

13. Frustration.

14. A.L.B. Curzon: "A Dictionary of Law", 2nd e.d.

15. C.M. Schmitthoff: "The Law & Practice of International Trade", 9th ed., Stevens & Sons, 1990, p. 147.

16. [1956] A.C. 696, 729.

«... انقضای قرارداد واقع می شود هرگاه قانون تصدیق نماید که اجرای تعهد قراردادی بدون کوتاهی یا قصور هرکدام از طرفین غیرمقدور شده، زیرا اوضاع و احوالی که اجرای قرارداد در آن قرار می گیرد، آن را از بنیان با آنچه که به موجب قرارداد تعهد شده بود متفاوت می سازد. این آن امری نبود که من انجامش را تعهد کردم " (Non haec in foedera veni) » .

بنابراین معیار اینکه آیا واقعه ای منتفی کننده قرارداد محسوب می شود این است که آن واقعه اجرای نهایی تعهدات قراردادی مربوطه را در مقایسه با آنچه که بموجب قرارداد تعهد شده بود «از بنیان متفاوت» نماید.^{۱۷} در این صورت تفاوتی بین واقعه موقتی و دائم نمی باشد و کافی است که تأخیر در اجرا، آنچنان اجرای قرارداد را عمیقاً دگرگون کند که منتهی به اجرای تعهدی کاملاً متفاوت با آنچه در ابتدا مورد نظر طرفین قرارداد بوده است بشود. در این صورت طرفین برای همیشه از تعهداتشان معاف خواهند شد.^{۱۸}

در سیستم حقوقی انگلستان، ارائه فهرست کاملی از وقایع منتفی کننده قرارداد امکان پذیر نیست. اما موارد ذیل نمونه هایی هستند که به موجب رویه قضایی انگلستان غالباً منتفی کننده قرارداد محسوب شده اند:

۱. از بین رفتن موضوع قرارداد. چنانچه اجرای قرارداد بستگی به وجود یک شخص یا شیئی خاص داشته باشد و پس از انعقاد قرارداد آن شخص یا شیء به طور فیزیکی از بین برود؛^{۱۹}

۲. غیرقانونی شدن غیر مترقبه (ناگهانی). چنانچه بعد از انعقاد قرارداد معتبری، جنگی واقع شود یا قانونی عوض شود یا مثلاً ممنوعیتهای صادرات و

17. Pioneer Shipping Ltd., v. BTP Tioxide Ltd., The Nema [1982] A.C. 724, 752.

18. Barry Nicholas: "Force Majeure and Frustration", American Journal of Comparative Law, 27 (1979), p. 234.

19. Taylor v. Caldwell, (1863) 3 B. & S. 826,839.

واردات برقرار شود، یا دولت دخالت کند (مثل مصادره اموال)، انجام قرارداد غیرقانونی و در نتیجه منتفی خواهد شد؛^{۲۰}

۳. هنگامی که یکی از طرفین فوت کند یا اهلیت خود را از دست بدهد. در قراردادهایی که خدمات شخصی مطرح است، فوت یا بیماری حادث شخصی که قرار است آن خدمت را ارائه دهد موجب منتفی شدن قرارداد خواهد شد؛^{۲۱}

۴. هنگامی که قرارداد بستگی به رویداد خاصی دارد و آن رویداد واقع نشود، قرارداد منتفی شده محسوب خواهد شد؛^{۲۲}

۵. تغییر اساسی اوضاع و احوال. چنانچه بعد از انعقاد قرارداد آنچه تغییرات اساسی در اوضاع و احوال واقع شود به طوریکه بنیان قرارداد از بین برود یا قرارداد منتهی به قرارداد جدیدی متفاوت با قرارداد اولیه که توسط طرفین توافق شده باشد، قرارداد منتفی خواهد شد.^{۲۳}

باید توجه داشت که قراردادی که موجب منتفی شدن آن خود شخص^{۲۴} یا اشخاصی که وی مسؤول عمل آنهاست، بوده است، مانع مسؤولیت او نخواهد بود. ماهیت دکترین منتفی شدن قرارداد این است که نباید به واسطه عمل یا انتخاب خود طرف (متعهد) باشد.^{۲۵}

20. Joseph Constantine Steamship Line Ltd. v. Imperial Smelting Corporation, [1942] A.C. 154.

21. Condor v. The Barran knights Ltd., [1966]1 W.L.R. 87.

22. Krell v. Henry, [1903]2 K.B. 740.

23. Joseph Constantine Steamship Line Ltd. , v. Imperial Smelting Corporation, [1942] A.C. 154. Davis Contractors Ltd., v. Farehom U.D.C. [1956] A.C. 696, 729.

24. Self-induced frustration.

25. Bank Line Ltd. , v. Arthur Capel & Co., [1919] A.C. 345; Maritime National Fish Ltd. , v. Ocean Travelers Ltd., [1935] A.C. 524.

تأثیر قوه قاهره و انتفای قرارداد بر قرارداد یا تعهدات طرفین

الف. آثار قوه قاهره

قوه قاهره اصولاً یک دفاع است. لذا قاعداً زمانی مطرح می‌شود که یک طرف (متعهدله) ادعای نقض قرارداد را توسط طرف دیگر (متعهد) مطرح می‌کند و مطالبه خسارت می‌نماید.^{۲۶} این دعوا دو حالت دارد، یکی اینکه متعهد تعهد خود را ایفا ننموده و قصد ایفای آن را هم ندارد یا کلاً دیگر نمی‌تواند ایفا نماید و متعهدله به این نتیجه رسیده است که از طریق اقامه دعوا، خسارت مطالبه کند و یا اجبار متعهد را به انجام تعهد درخواست نماید. دیگر اینکه به علت وقوع قوه قاهره در حین انجام قرارداد، اجرای آن برای مدتی متوقف و سپس کار (اجرا) از سر گرفته شده و به لحاظ این توقف خساراتی به متعهدله وارد آمده است و اکنون وی آن خسارت را مطالبه می‌نماید. پرسش دیگری که در این زمینه مطرح است آن است که چنانچه یک طرف قرارداد به علت قوه قاهره تعهد خود را ایفا ننماید تکلیف طرف دیگر چیست؟ آیا طرف دیگر باید تعهد مربوط به خود را انجام دهد؟

بنا بر این گرچه مطلب اساسی در قوه قاهره تصمیم‌گیری در خصوص خسارت توسط دادگاه می‌باشد، اما برای این منظور ممکن است مسأله تعهد طرف مقابل (متعهدله) در حالت قوه قاهره (برای متعهد) نیز مطرح شود. بدین معنی که چون

۲۶. باید توجه داشت که همان‌گونه که قبلاً اشاره شد و بعد از این مفصل بیان خواهد گردید، مواردی وجود دارد که قوه قاهره در قانون تصریح شده و آثار آن بر قرارداد مشخص گردیده است. در این موارد ممکن است بحث نقض قرارداد و پرداخت خسارت مطرح نباشد بلکه یک طرف بخواهد از آثار قانونی تصریح شده مثل فسخ، ابطال و امثال آنها استفاده نماید. در چنین مواردی دیگر قوه قاهره دفاع محسوب نمی‌شود بلکه در قالب ادعا توسط خواهان مطرح و باید اثبات شود.

فقط متعهد در حالت قوه قاهره بوده بنابراین متعهدله باید تعهد خود را انجام می‌داد و چون او تعهد خود را انجام نداده (در برابر متعهد) ناقض قرارداد است. پس قبل از بررسی خسارت، دادگاه نیازمند مشخص نمودن وضعیت خود قرارداد در حالت قوه قاهره خواهد بود.

قوه قاهره به یکی از دو صورت زیر بر قرارداد یا تعهدات طرفین اثر خواهد کرد:

۱. ممکن است در اثر قوه قاهره اجرای تعهدات قراردادی توسط هر دو طرف غیر ممکن گردد، مثل وقوع انقلاب که باعث شود پیمانکار نتواند کار احداث پروژه ساختمانی را ادامه دهد و کارفرما هم نتواند وجه مقرر در قرارداد را در زمان خود بپردازد.

۲. ممکن است در اثر قوه قاهره اجرای تعهد یکی از طرفین غیر ممکن شود مثل اینکه ریزش برف سنگین جاده‌ها را مسدود کرده و مانع شود شرکت حمل‌کننده کالا که کرایه حمل را قبلاً دریافت داشته است محموله را در زمان مقرر به مقصد برساند و باعث ضرر و زیان به صاحب محموله شود.

در هر دو صورت اثر قوه قاهره بر تعهدات یا قرارداد طرفین ممکن است کوتاه مدت و موقتی یا دراز مدت و دائمی باشد و در هر دو حالت مسأله نقض تعهد یا قرارداد (به علت قوه قاهره) مطرح خواهد بود. این بدان جهت است که در همه سیستمهای حقوقی مختلف لزوم قراردادهای وفای به عهد^{۲۷} پذیرفته شده است و قراردادی که صحیحاً بین طرفین منعقد شده است در هر شرایطی برای آنها الزام آور می‌باشد. در نتیجه چنانچه یکی از طرفین به هر دلیلی از جمله قوه قاهره به تعهد خود عمل نکند خلاف اصل عمل کرده و ناقض قرارداد می‌باشد.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران، در بیان اصل لزوم قراردادهای مقرر می‌دارد که: «قراردادی که بین طرفین منعقد شده بین آنها و قائم مقامشان لازم الاتباع است» و

۲۷. *pacta sunt servanda* یا *اوفوا بالعقود* یا *المؤمنون عند شروطهم*. البته جای بحث است که این قواعد هم در سطح بین‌المللی و هم در شرع مقدس اسلام ممکن است با قواعدی مثل *rebus Sic stantibus* و *نفي عسر و حرج*، استیمان، حدیث رفع، احسان، اقدام، لاضرر محدود شوند.

بر اساس ماده ۲۲۱ قانون مدنی در صورت تخلف یکی از طرفین، متخلف مسؤول خسارات طرف مقابل خواهد بود. به این ترتیب، حتی در مواردی که علت تخلف از اجرای قرارداد قوه قاهره باشد، اصل وجود تخلف از قرارداد و نقض آن منتفی نخواهد شد. به عبارت دیگر، به علت قوه قاهره هیچ تعهد قراردادی از طرفین ساقط نخواهد شد مگر پرداخت خسارت که آن هم بر حسب قانون ساقط می شود. این است که در ماده ۲۶۴ قانون مدنی که موجبات سقوط تعهدات را مشخص نموده قوه قاهره از موارد سقوط تعهدات ذکر نکرده است.^{۲۸} مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی نیز مقرر می دارند که متخلف از انجام تعهد در صورت اثبات وجود قوه قاهره از پرداخت خسارت (که در غیر موارد قوه قاهره الزامی است) معاف خواهد بود. بنابراین در قانون مدنی ایران اصل بر آن است که قرارداد در هر وضعیتی باید اجرا شود و حتی با عدم اجرای تعهد توسط یکی از طرفین، طرف دیگر نمی تواند از اجرای تعهد خود امتناع نماید یا به عبارتی قرارداد را منحل یا فسخ نماید، مگر در مواردی خاص.^{۲۹}

قواعد کلی مربوط به قوه قاهره در قانون مدنی (مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م.)

۲۸. ماده ۲۶۴ ق.م. شش مورد (وفای به عهد، اقامه، ابراء، تبدیل تعهد، تهاتر، مالکیت فی الذمه) را به عنوان مسقط تعهد نام می برد. مؤلف سقوط تعهدات معتقدند که ماده ۲۶۴ ق.م. از ماده ۱۲۳۴ ق. مدنی فرانسه اقتباس گردیده که از نه سببی که آن ماده برای سقوط تعهدات برمی شمارد چهار سبب (تلف مورد تعهد، بطلان یا فسخ تعهد، تحقق شرط انحلال عقد، مرور زمان) در ماده ۲۶۴ وارد نشده است. ایشان متذکر می شوند که با توجه به مجموع مقررات قانون مدنی ایران می توان سه سبب از اسباب ذکر نشده در ماده ۲۶۴ (فسخ، تلف مورد تعهد و مرور زمان) را به اسباب ذکر شده در این ماده افزود. در این تألیف، در مبحث «تلف مال مورد تعهد و ناممکن شدن عمل مورد تعهد»، ناممکن شدن عمل مورد تعهد به همیشگی و موقت تقسیم می شود و بیان می گردد که مورد اول (ناممکن شدن همیشگی) از اسباب سقوط تعهد و آزاد شدن ذمه متعهد است، اما در مورد دوم تعهد پابرجا و متعهد باید پس از ممکن شدن انجام عمل، تعهد خود را ایفا نماید. شهیدی، دکتر مهدی، «سقوط تعهدات»، کانون وکلای دادگستری، چاپ سوم، ۱۳۷۳، صص ۲۳ و ۲۰۶.

۲۹. به عنوان مثال، در خصوص قرارداد بیع ماده ۳۹۵ قانون مدنی مقرر می دارد: «اگر مشتری ثمن را در موعد مقرر تأدیه نکند بایع حق خواهد داشت که بر طبق مقررات راجع به خیار تأخیر ثمن معامله را فسخ یا از حاکم اجبار مشتری را به تأدیه ثمن بخواهد». به موارد خاص مربوط به قوه قاهره بعداً اشاره خواهد شد.

در خصوص وضعیت قرارداد در حالت قوه قاهره ساکت می باشند. پس این دادگاه است که با در نظر گرفتن شرایط، اوضاع و احوال و زمان و مکان تصمیم می گیرد که آیا قراردادی که در حالت قوه قاهره قرار گرفته معلق می شود یا منحل، و یا قابل ابطال است و یا قابل فسخ. قطعاً دادگاه در این تصمیم گیری به اراده طرفین توجه خاص خواهد نمود و در خصوص اینکه آیا قرارداد پس از برطرف شدن قوه قاهره به اجرا درآید مسائلی از قبیل اینکه آیا اجرای مجدد قرارداد همان فایده اولیه را برای طرفین دارد یا مطابق اراده آنها می باشد، و آیا ماهیت قرارداد بعد از تعلیق و اجرای مجدد همان ماهیت اولیه است، در نظر خواهد گرفت. بدیهی است چنانچه قوه قاهره موقتی باشد و پس از مدت کوتاهی از بین برود اثر آن بیشتر تعلیق اجرای تعهد خواهد بود و بعد از آن اجرای تعهد یک طرف یا طرفین از سر گرفته خواهد شد. اما چنانچه قوه قاهره در مدت طولانی ادامه داشته باشد و باعث عدم امکان دائمی اجرای تعهد شود، اثر آن بیشتر انحلال قرارداد خواهد بود.^{۳۰}

در قانون مدنی حالات خاصی که ممکن است بعضاً آنها را به قوه قاهره تفسیر نمود، نسبت به پاره ای از عقود معین پیش بینی شده که قانونگذار حکم صریح و مشخص در این حالات در خصوص وضعیت قرارداد مربوطه مقرر کرده است.^{۳۱} همچنین در قانون دریایی ایران در موارد خاصی تأثیر قوه قاهره بر قراردادهای مربوطه را به صورت فسخ قرارداد،^{۳۲} انحلال یا کان لم یکن تلقی شدن

۳۰. در خصوص نظریه علمای حقوق به عنوان نمونه مراجعه شود به: صفایی، دکتر سید حسین، «قوه قاهره»، مجله حقوقی، شماره ۳، ص ۱۲۰.

۳۱. به عنوان مثال، ماده ۳۸۷ ق.م. «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ می شود»؛ ماده ۴۹۳ ق.م. «اگر عین مستأجره بدون تفریط یا تعدی [مستأجر] کلاً یا بعضاً تلف شود مسؤول نخواهد بود»؛ ماده ۵۲۷ ق.م. «هرگاه زمین به واسطه فقدان آب یا علل دیگر از این قبیل از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد عقد مزارعه منفسخ می شود»؛ ماده ۲۴۰ ق.م. «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت ...».

۳۲. ماده ۱۰۴ قانون دریایی: «اگر قبل از حرکت کشتی تجاری، تجارت با کشوری که کالا به مقصد آن بارگیری شده ممنوع شود، قراردادهای مربوطه بدون پرداخت خسارت فسخ می گردد و فرستنده محموله مسؤول مخارج مربوطه خواهد بود.»

قرارداد^{۳۳} و تعلیق قرارداد^{۳۴} پیش بینی نموده است.

بنابراین قاعده مربوط به تأثیر قوه قاهره بر تعهدات طرفین یا قرارداد این است که با وجود قوه قاهره قرارداد به قوت خود باقی است و طرفی که نمی تواند تعهد مربوط به خود را انجام دهد به هر حال متخلف محسوب می شود اما معاف از پرداخت خسارت به طرف دیگر خواهد بود، مگر در مواردی که حکم قانونی خاصی وجود دارد.

در قانون مدنی فرانسه بیان صریحی از نتیجه غیر ممکن شدن کامل اجرای قرارداد وجود ندارد. اما مدلول موادی نظیر مواد ۱۷۲۲، ۱۷۴۱، ۱۷۸۸، ۱۷۹۰، ۱۸۶۷ این قانون حاکی است که متعهد از تعهدش خلاص می شود.^{۳۵} در این صورت مسأله خطر تلف (تئوری ریسک) بخصوص در قراردادها (عقود) دوطرفه و دراز مدت مطرح می شود. پرسش این است که چه کسی مسؤول خسارتهای وارده بر اثر عدم انجام قرارداد بموجب قوه قاهره بر طرفی است که در حالت قوه قاهره قرار گرفته است؟ به عبارت دیگر گرچه متعهد مسؤول عدم اجرای تعهد خود نیست اما آیا می تواند اجرای متقابل را از طرف دیگر طلب کند؟ پاسخ این سؤال با توسل به دکترین علت (cause) که حاکی از اصل وابستگی تعهدات طرفین به یکدیگر می باشد، منفی است. زیرا تعهد هر یک از طرفین علت تعهد طرف دیگر می باشد و منتفی شدن یکی انتفای دیگری را در پی دارد و چنانچه یک طرف بعلت قوه قاهره از تعهد خودش رها شود طرف دیگر هم از تعهد مربوط به خود خلاص می شود. بنابراین نه تنها نمی توان از طرف مقابل خواست که به

۳۳. ماده ۱۳۱ ق. دریایی: «هرگاه کشتی نتواند به علت ممنوع بودن تجارت با بندر مقصد و یا محاصره اقتصادی بندر مقصد یا به علت قوه قاهره حرکت کند، قرارداد مسافرت کان لم یکن تلقی می گردد و هیچ یک از طرفین حق مطالبه خسارت از طرف دیگر را نخواهد داشت.»

۳۴. ماده ۱۵۰ ق. دریایی: «الف) در صورتی که کشتی نتواند به علت قوه قهریه از بندر خارج شود قرارداد اجاره برای مدت متعارف به قوت خود باقی می ماند و خسارت ناشی از تأخیر در حرکت کشتی قابل مطالبه نخواهد بود.»

35. Barry Nicholas: "The French Law of Contract", 2nd ed., Clarendon Press Oxford, 1992, p. 205.

تعهدات خود عمل کند بلکه خطر و خسارت وارده بر طرفی که تعهدش بوسیله قوه قاهره منتفی شده است بر عهده خود او می باشد و چنانچه اجرای متقابلی هم از جانب طرف مقابل صورت گرفته باشد وی مسؤول جبران آن قسمت اجرا شده خواهد بود.³⁶ بدیهی است که این نتیجه با فرض متخلف دانستن متعهد در عدم انجام تعهد خود به واسطه قوه قاهره نیز توجیه پذیر است.

در سیستم حقوقی فرانسه چنانچه منحل شدن قرارداد به موجب قانون یا توافق طرفین در قرارداد نباشد، به موجب ماده ۱۱۸۴ ق.م. فرانسه، لازم است که انحلال قرارداد با اثر عطف به ماسبق شونده یا تنها با اثر فوری و نسبت به آینده، از دادگاه درخواست شود. دادگاه پس از احراز وجود قوه قاهره تصمیم خواهد گرفت که نتیجه آن آیا تعلیق قرارداد و یا انحلال و ابطال آن است.³⁷ بر اساس تئوری خطر و دکترین علت که بدان اشاره شد نتیجه غیر ممکن شدن قرارداد، بطلان تعهدات هر دو طرف قرارداد می باشد بدون نیاز رجوع به دادگاه برای فسخ قرارداد و در هر کجا که لازم باشد جبران عمل طرف مقابل را هم در پی خواهد داشت. این قاعده مطابق اصل است و روشی است که توسط دکترین پذیرفته شده است.³⁸ به هر حال رویه قضایی تثبیت شده ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی را اعمال می نماید که فسخ قرارداد در صورت عدم اجرای قرارداد، توسط دادگاه را پیش بینی می کند. دادگاهها با اعمال این ماده، اختیار دارند که قرارداد را فسخ نمایند یا در صورتی که عدم اجرای نسبی (مربوط به قسمتی از قرارداد است) یا موقتی است آن را قابل ادامه تلقی کنند و فسخ ننمایند.³⁹

پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات فقهی

36. Ibid.

37. Henry Lesguillons: "Frustration, Force majeure, Imprévision, Wegfall der Geschäftsgrund Lage", D.P.C.I., December. 1979, No. 4, p. 507.

38. Barry Nicholas: "The French Law of Contract", 2nd ed., Clarendon press Oxford, 1992, p. 206.

39. Paris 13.11.1943. Gaz. Pal. 1943.2.260.

ب. آثار دکترین انتفای قرارداد

تا قرن هفدهم میلادی قاعده در سیستم حقوقی انگلستان غیر قابل انعطاف و مطلق بودن قراردادها بوده است. بر اساس این قاعده طرف قرارداد باید تعهد قراردادی را انجام می داد حتی اگرچه اجرای قرارداد بعداً غیر ممکن می شد.^{۴۰} بنابراین تا آن زمان هیچ حادثه ای حتی حادثه منتهی کننده قرارداد نمی توانست بر قرارداد یا تعهدات طرفین اثری داشته باشد. اما به تدریج این قاعده بدین صورت تغییر کرد که «چنانچه طرفی به موجب قرارداد وظیفه یا تعهدی مطلق و غیر مشروط برای خود ایجاد کند، ملزم می شود که آن را عمل کند، علی رغم هر ضرورت غیر قابل اجتناب». «لذا طرفین می توانستند با تصریح موارد معافیت از مسؤولیت در قرارداد خود از این حالت سخت رهایی یابند. اما بالاخره در سال ۱۸۶۳ با پذیرفته شدن دکترین منتهی شدن قرارداد به عنوان استثناء بر قاعده سابق» اثر آن بدین گونه در حقوق انگلستان تثبیت شد که وقوع حادثه منتهی کننده قرارداد را فوراً و بدون نیاز به هیچ چیز دیگری به طور خود به خود خاتمه می دهد.^{۴۱}

قاضی انگلیسی، لرد رایت، در خصوص اثر حادثه منتهی کننده قرارداد می گوید: از زمان وقوع حادثه «به نظر من قرارداد به طور خود بخود (اتوماتیک) نسبت به آینده خاتمه می یابد، زیرا در آن تاریخ، اجرای بعدی و بیشتر قرارداد در شرایطی که هیچ مسؤولیتی برای خسارت به لحاظ قصور، بر عهده هیچ یک از طرفین وجود ندارد، غیر ممکن می شود». «لرد سایمون نیز در این زمینه می گوید: «اثر حقوقی دکترین [انتفای قرارداد] این نیست که به عنوان دفاع یک طرف

40. *Bottoms v. York Corporation*, (1892).

41. *Paradine v. Jane*, (1947), *Aleyn*, 26.

۴۲. برای اولین بار دکترین انتفای قرارداد در پرونده *Taylor v. Caldwell*, (1863), 3B. & S 826 با از بین رفتن فیزیکی موضوع قرارداد (مورد تعهد) قبل از موعد اجرا، بکار گرفته شد.

43. *Hirji Mulji v. Cheong yue Steamship Co.*, [1926] A.C. 497.

44. *Fibrosa Spolka Akcyjna v. Fairbairn Lawson Comb Barbour Ltd.*, [1983] A.C.32 at , p. 270.

در مقابل ادعای طرف دیگر اقامه شود. این دکترین خود قرارداد را می‌کشد و از بین می‌برد و دو طرف قرارداد را خود به خود از مسؤولیت [اجرا] معاف می‌کند. بنابراین قرارداد از تاریخ وقوع حادثه منتفی کننده باطل می‌شود و طرفین از مسؤولیت اجرای بعدی [بیشتر] قرارداد معاف می‌گردند و تنها آنچه باقی می‌ماند تعیین تکلیف تعدیل حقوق و تکالیف طرفین است، به موجب قرارداد، در ارتباط با زمان قبل از وقوع حادثه منتفی کننده».⁴⁵

قسمت ۳

تأثیر قوه قاهره و انتفای قرارداد بر خسارت (مسؤولیت متعهد)

الف. تأثیر قوه قاهره

بدیهی است چنانچه پس از انعقاد عقد و بخصوص در حین انجام آن، قوه قاهره واقع شود و انجام تعهد یکی از طرفین یا هر دو طرف قرارداد غیر مقدور شود خساراتی برای طرف دیگر یا هر دو طرف خواهد داشت. گرچه همانگونه که در بالا ذکر گردید، چنانچه یکی از طرفین قرارداد در انجام تعهدش قصور نماید، اصولاً مسؤول خسارت طرف مقابل نیز خواهد بود، اما در صورتی که طرف متخلف اثبات نماید که عدم انجام تعهد به واسطه قوه قاهره بوده است سیستم حقوقی فرانسه و همچنین سیستم حقوقی ایران پذیرفته اند که متخلف از پرداخت خسارت معاف

45. Joseph Constantin Steamship Line Ltd., v. Imperial Smelting Corporation Ltd., [1942] A.C. 154, 163.

خواهد بود. ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد:

«متعهد به پرداخت خسارت محکوم می‌شود، در صورت اقتضاء، خواه به لحاظ عدم اجرای تعهد خواه به لحاظ تأخیر در اجرای آن، هرگاه نتواند ثابت کند که عدم اجرا به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌شود به وی استناد نمود، هرچند که سوء نیت هم از طرف وی وجود نداشته باشد».

ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه نیز بیان می‌دارد که:

«مناسبتی برای پرداخت خسارت وجود ندارد، هنگامی که در نتیجه قوه قاهره [Force majeure] یا حادثه غیر مترقبه [Cas fortuit] متعهد متعذر شده باشد از انتقال یا انجام آنچه که متعهد بوده، یا انجام داده باشد آنچه را ممنوع از انجام آن بوده».^{۲۶}

مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران به ترتیب معادل دو ماده ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ از قانون مدنی فرانسه می‌باشند. بنابراین قوه قاهره در سیستم حقوقی

46. 1147: Le débiteur est condamné, s'il y a lieu , au payment de dommages et intérêt, soit à raison de l' in exécution de l'obligation, soit à raison du retard dans l'exécution, toutes les fois qu'il ne justifie pas que l'in exécution provient d'une cause étrangère qui ne peut lui être imputée, encore qu'il n'y ait aucune mauvaise foi de sa part .

1148: Il n'y a lieu á aucuns dommages et intérêts lorsque, parsuite d'une force majeure ou d'un cas fortuit, le débiteur a été empêché de donner ou de faire ce a quoi il était obligé, ou a fait ce qui lui étail interdit.

ترجمه انگلیسی مواد ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه عبارت است از:

1147: "The debter is condemned, where appropriate, to the payment of damages, either on account of the non - performance of the obligation or on account of delay in its performance when ever he does not show that the non - performance is due to an external cause which can not be imputed to him , even if there is no bad faith on his part".

1148: "There is no occasion for damages where, in consequence of force majeure or (doing unexpected) accident the debtor has been prevented form conveying or what to which he was obliged or has done what he was debarred from doing.

فرانسه و ایران جز در مواردی که نصّ قانونی خلاف وجود داشته باشد، به طور خود به خود تأثیر حقوقی بر قرارداد ندارد بلکه اثر آن در مرحله نتایج نقض قرارداد است و طرف متخلف از اجرای تعهد باید وجود آن را به عنوان مانع اجرا و در دفاع در مقابل دعوای خواهان اثبات نماید که در این صورت تخلف وی در اجرای قرارداد و پرداخت خسارت مربوطه بخشیده خواهد شد و مسؤولیتی به دنبال نخواهد داشت.

سؤالی که در اینجا مطرح است این است که خسارت چیست؟ همانگونه که قبلاً ذکر گردید ماده ۲۲۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در صورت تخلف متعهد در انجام تعهد، وی (متخلف) مسؤول «خسارت» طرف مقابل خواهد بود». همچنین در ماده ۲۲۶ قانون مدنی آمده است: «در مورد عدم ایفای تعهد از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی‌تواند ادعای «خسارت» کند...». از طرفی نیز ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در صورتی دادگاه حکم «خسارت» می‌دهد که مدعی ثابت کند که ضرر به او وارد شده... ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است». گفته شده است خسارت در ماده ۲۲۱ به معنای ضرر می‌باشد و در ماده ۲۲۶ به معنی چیزی که برای جبران ضرر داده می‌شود.^{۴۷} بنابراین از مجموع مواد فوق‌الذکر مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی چنین نتیجه می‌شود که متخلف از انجام تعهد چنانچه وقوع قوه قاهره را اثبات نماید محکوم به پرداخت ضررهای وارده به طرف دیگر (اعم از بین رفتن مالی یا فوت شدن منفعتی از وی) نخواهد شد.

در بعضی موارد خاص که قانون مدنی یا سایر قوانین ایران به نوعی قوه قاهره را پیش‌بینی نموده‌اند وضعیت مسؤولیت متعهد را نیز روشن کرده‌اند. مثلاً ماده ۳۸۷ ق.م. مقرر می‌دارد: «چنانچه مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال بایع تلف شود، ثمن باید به مشتری مسترد گردد»؛ یا ماده ۳۸۶ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «چنانچه مال التجاره در اثر حوادثی که هیچ متصدی مواظبی نمی‌تواند از

۴۷. امامی، دکتر سید حسن؛ حقوق مدنی، جلد اول، صفحه ۲۳۹.

آن جلوگیری نماید تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسؤل قیمت آن نخواهد بود؛^{۴۸} یا ماده ۱۰۴ قانون دریایی برای وجود نوعی قوه قاهره برای حمل کننده کالا مقرر می دارد: «قرارداد بدون پرداخت خسارت فسخ خواهد شد و فرستنده محموله مسؤل مخارج مربوطه خواهد بود» و همچنین در ماده ۱۵۰ در بند (الف) برای وجود نوعی دیگر از قوه قاهره که قرارداد را برای مدت متعارف معلق می نماید خسارت ناشی از تأخیر در حرکت کشتی را قابل مطالبه نمی داند و در بند (ب) مقرر می دارد: «مال الاجاره اضافی نسبت به مدت اضافی که کشتی اجاره شده به علت قوه قهریه متوقف شده تعلق نمی گیرد و در ایام توقف غذا و مسکن کارکنان کشتی جزء خسارت وارده حساب می شود».

همان گونه که قبلاً بیان گردید، در سیستم حقوقی فرانسه که دادگاهها براساس ماده ۱۱۸۴ ق.م. در خصوص فسخ یا عدم فسخ قرارداد تصمیم می گیرند در جایی که قسمتی از قرارداد قبل از وقوع قوه قاهره انجام شده است یا جایی که قوه قاهره موقتی و جزئی است و تماماً یا دائماً انجام قرارداد را منع ننموده، دادگاه ممکن است قرارداد را فسخ و دستور جبران دهد یا از این کار امتناع نماید. البته دادگاه نمی تواند حکم به پرداخت خسارت دهد، اما می تواند اجرای تقلیل یافته یا ناقص بدهکار (متعهد) را به حساب آورد و تعهد متعهدله را تقلیل یا تغییر دهد.^{۴۹} نتیجه دیگری که از اقدام بموجب ماده ۱۱۸۴ گرفته می شود این است که چنانچه دادگاه دستور بر فسخ قرارداد صادر کند، اثر آن عطف به ماسبق شده و به ابتدای قرارداد برمی گردد و نتیجه فرعی آن این است که جبران عین تعهد یا جبران پولی آن برای منافع که هریک از طرفین (از اجرای قرارداد) حاصل نموده اند، باید به عمل آید.^{۵۰}

48. Paris 13.11.1943. Gaz. Pal. 1943.2.260.

49. Civ. 4.5.1898, S. 1898.1.281, D. 1898.1.457.

ب. تأثیر دکترین انتفای قرارداد

قاعده غالب در حقوق انگلستان تا قبل از سال ۱۹۴۳ این بود: «هریک از طرفین باید تعهدات قراردادی خود را تا آن مقدار که قبل از وقوع حادثه منتفی کننده باید انجام شوند، انجام دهند، اما آنها نسبت به مقداری که بعد از واقعه باید انجام شوند معاف می گردند».^{۵۰} بنابراین طبق این قاعده قرارداد از ابتدا باطل نبوده و تا قبل از حادثه منتفی کننده به اعتبار کامل و تمام خود باقی می ماند و دکترین «از بین رفتن کامل عوض»^{۵۱} در اینجا جاری نمی شد مگر اینکه قرارداد از ابتدا باطل می بود. اثر این قاعده این بود که چنانچه مثلاً در ارتباط با قرارداد پولی قبل از وقوع حادثه منتفی کننده سررسید می شد، متعهد باید آن را می پرداخت (گرچه قرارداد بعداً منتفی شده و متعهد نمی توانست از آن استفاده ای ببرد)، اما چنانچه سررسید پول بعد از وقوع حادثه می بود، دیگر متعهد مسؤول پرداخت آن نبوده و ضرر بر عهده متعهدله قرار می گرفت.^{۵۲}

قاعده فوق برای یک طرف قرارداد ایجاد سختی می کرد و عدم رضایت عمومی را در پی داشت، تا اینکه در سال ۱۹۴۲ در پرونده Fibrosa دادگاه عالی انگلستان (مجلس اعیان) تلاش کرد آثار سخت و ناروای این قاعده را از بین ببرد. دادگاه موفق شد نتایج این قاعده را که قرارداد تا لحظه وقوع حادثه منتفی کننده به لحاظ عدم از بین رفتن کامل عوض به قوت کامل خود باقی می ماند، نادیده بگیرد. در این پرونده تصمیم گرفته شد که امکان بازپس گیری پول پرداخت شده قبل از وقوع حادثه منتفی کننده (مثل پیش برداختهایی که در قراردادها صورت می گیرد)

50. Fibrosa Case, supra, p. 58.

51. Total failure of consideration. بموجب این دکترین، چون در سیستم حقوقی انگلستان عوض یکی از عناصر اصلی تحقق (صحت) قراردادهای ساده می باشد، چنانچه بعد از انعقاد قرارداد عوض از بین برود یا مشخص شود که عوض در هنگام انعقاد قرارداد وجود نداشته است، قرارداد از همان ابتدا باطل محسوب خواهد شد.

52. Candler v. Webster, [1904]1 K.B. 493; Krell v. Henry [1903]2 K.B. 740.

وجود دارد. در سال ۱۹۴۳، نظریات کمیته تجدیدنظر قانون انگلستان در خصوص اصلاح قانون مربوط به منتفی شدن قرارداد، منتهی به وضع «قانون ۱۹۴۳ قانون اصلاحی (قراردادهای منتفی شده)» شد.^{۳۲}

اکنون به موجب ماده (۱) ۱، این قانون جایی که «قراردادی تحت حاکمیت قانون انگلستان است و از لحاظ اجرا غیر ممکن یا به طریق دیگری منتفی شده است و طرفین آن بدان جهت از اجرای بیشتر (بعدی) قرارداد معاف شده اند» اعمال خواهد شد. این قانون به طور کلی دو تغییر اساسی در قواعد قبلی مربوط به منتفی شدن قرارداد ایجاد می کند. یکی اینکه تصمیم متخذه در پرونده Fibrosa را بسط داده و اجازه استرداد پیش پرداخت را می دهد. حتی اگرچه در زمان منتفی شدن قرارداد، دکترین «از بین رفتن کامل عوض» مطرح نباشد و عوض تماماً از بین نرفته باشد. دیگر اینکه این قانون می پذیرد که طرفی که در اجرای قرارداد قبل از حادثه منتفی کننده، مقداری از کار یا قرارداد را انجام داده است می تواند درخواست جبران برای نفعی که از بابت آن کار عاید طرف دیگر شده است بنماید. بنا بر این ماده (۲) ۱ «قانون ۱۹۴۳ قانون اصلاحی (قراردادهای منتفی شده)»، در خصوص استرداد پول پرداخت شده اینگونه مقرر می نماید:

« همهٔ مبالغی که به هریک از طرفین به موجب قرارداد، قبل از زمانی که طرفین [از اجرای قرارداد] معاف بشوند... پرداخت شده یا قابل پرداخت باشند، چنانچه پرداخت شده باشند، از او به عنوان پولی که وی برای استفاده طرفی که پول را پرداخته دریافت داشته است، قابل استرداد خواهند بود و در صورتی که آن مبالغ در آینده قابل پرداخت باشند (سررسید نشده باشد)، پرداخت آنها متوقف خواهد شد... چنانچه طرفی که پول به وی پرداخت شده یا قابل پرداخت است قبل از زمان معاف شدن [از اجرای قرارداد]، به منظور اجرای قرارداد هزینه هایی متحمل شده باشد، دادگاه ممکن است، در صورتی که بادر نظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال پرونده عادلانه ببیند، به وی اجازه دهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت شده به خود را نگه دارد، یا در صورت قابل پرداخت بودن مبلغی به وی، آن را وصول نماید، البته نباید آن مقدار بیش از هزینه های متحمل شده باشد.»

53. Law Reform (Frustrated Contracts) Act 1943.

ماده (۳) نیز حق جبران (وصول غرامت) برای اجرای قسمتی از قرارداد (اجرای نسبی) را بدین گونه پیش بینی می نماید:

«در مواردی که یک طرف قرارداد به واسطه هر مقدار عملی که طرف دیگر قرارداد در اجرا یا در جهت اجرای قرارداد انجام داده، نفع با ارزشی قبل از زمان معاف شدن [از اجرای قرارداد] عایدش شده باشد (به غیر از پرداخت پول...)، آن طرف دیگر، چنانچه دادگاه منصفانه بداند، حق وصول مبلغی (هر مقدار که باشد) که متجاوز از ارزش نفع مذکور برای طرفی که منتفع شده نخواهد بود، خواهد داشت.»

باید در نظر داشت که در سیستم حقوقی انگلستان در ارتباط با منتفی شدن بعضی از انواع قراردادهای قواعد خاصی وجود دارد که «قانون اصلاح قانون (قراردادهای منتفی شده) ۱۹۴۳»، متعرض آنها نمی شود. لذا این قانون تصریح دارد که بر قراردادهای حمل و نقل دریایی، قراردادهای اجاره کشتی دربستی، قراردادهای بیمه و قرارداد بیع کالا (عین) معین تحت ماده ۷ قانون بیع کالای ۱۹۷۹، اعمال نخواهد گردید. همچنین توافقات طرفین قراردادها در خصوص منتفی شدن قرارداد، قلمرو اعمال این قانون را محدود خواهد کرد. بنابراین در قراردادهایی که مقررات خاصی برای وضعیت منتفی شدن قرارداد پیش بینی شده و یا اینکه طرفین قصد داشته اند که علی رغم وضعیت منتفی کننده، قراردادشان به عنوان قرارداد یا توافق الزام آور باقی بماند^{۵۴} قانون ۱۹۴۳ کاربردی ندارد. پس آنچه که امروزه بخصوص در قراردادهای بین المللی متداول است و طرفین قواعدی را در خصوص نوع حوادث قوه قاهره یا منتفی کننده قرارداد و آثار آن در قراردادشان پیش بینی می کنند به فرض که قرارداد مربوطه تابع قانون انگلستان هم باشد، به عنوان توافق ارادی طرفین معتبر و قانون ۱۹۴۳ بر آن بی تأثیر است.

۵۴. چنین توافقی را قرارداد یا توافق مطلق یا غیر مشروط unconditional or absolute obligation می نامند.

- آیا اعلان حالت قوه قاهره یا وجود حادثه منتفی کننده ضروری است؟

سؤال این است که آیا برای اینکه یک طرف قرارداد بتواند به دکترین قوه قاهره یا منتفی شدن قرارداد استناد نماید یا کلاً برای بکار آمدن این دو دکترین باید قبلاً وقوع حادثه یا علت را به طرف دیگر اعلام کرده (اطلاع داده) باشد؟ به نظر می‌رسد این سؤال در دکترین منتفی شدن قرارداد به طور کلی بی‌مورد باشد. زیرا همان‌گونه که قبلاً اشاره شد وقوع حادثه منتفی کننده، قرارداد را به طور اتوماتیک و بدون نیاز به هیچ چیز دیگری خاتمه می‌دهد و اثر حقوقی آن بستگی به نظر و اطلاع طرفین از واقعه ندارد.⁵⁵ بنابراین صرف اثبات وقوع حادثه کافی است که قرارداد منتفی شده محسوب شود.

در حالت قوه قاهره نیز به نظر نمی‌رسد که اعلان آن حالت، تکلیف طرفی باشد که بعداً می‌خواهد بدان استناد نماید. اینکه بار اثبات وجود حالت قوه قاهره بر عهده خواننده (کسی که در صدد اتکا بر قوه قاهره است) می‌باشد، می‌تواند بدین دلیل باشد که غالباً خواهان، اطلاعی از وقایعی که مانع انجام قرارداد شده اند نداشته و همچنین وسایلی برای کشف وضعیت امور در اختیار ندارد، و چنین اطلاع و وسایلی اختصاصاً در اختیار خواننده می‌باشد. و به این دلیل است که بار اثبات قوه قاهره بر عهده خواننده توجیه عادلانه می‌یابد و الاً چنانچه خواننده را موظف بدانیم که قبلاً وجود قوه قاهره را به طرف دیگر اعلان نماید در این حالت ناعادلانه می‌نمود که بار اثبات وجود قوه قاهره بر عهده خواننده باشد، بلکه باید بار اثبات عدم آن به همراه اثبات دعوا بر عهده خواهان باشد.

به هر حال، باید در نظر داشت که ممکن است مسأله اعلان قوه قاهره در قراردادهای داخلی چندان مطرح نباشد، اما در قراردادهای بین‌المللی می‌تواند دارای اهمیت خاصی باشد زیرا ممکن است یک طرف قرارداد از اینکه طرف دیگر که در کشور دیگری است و در عدم اجرای قرارداد مواجه با قوه قاهره می‌باشد بی‌اطلاع بوده و اقداماتی را به عمل آورد که در صورت آگاه بودن از وقوع قوه قاهره یا حادثه منتفی کننده به عمل نمی‌آورد و خسارت کمتری متحمل شود. لذا

55. Treitel, Contract, 7th ed., (1987, London, Butter worths), p. 702.

ممکن است استدلال شود که اصول حسن نیت در اجرای قراردادها و اجرای منصفانه آنها^{۵۷} ایجاب می کند که طرفی که در حالت قوه قاهره قرار می گیرد وضعیت را به طرف دیگر اعلام نماید. در اینجا باید متذکر شد که این اصول نمی توانند مبنای عدم کاربرد دکتترین قوه قاهره قرار گیرند.^{۵۸} نمی توان به صرف عدم آگاه نمودن طرف مقابل از قوه قاهره، متخلف را دارای سوء نیت دانسته و از دفاع قوه قاهره محروم و وی را مسؤول خسارتهای ناشی از نقض قرارداد دانست زیرا نه نص قانونی در این خصوص وجود دارد و نه توافق طرفین.

ممکن است به کمک قواعد مربوط به تسبیب گفت که عدم اطلاع وقوع قوه قاهره توسط طرفی که موضوع آن قرار گرفته موجب خسارت به طرف دیگر شده و لذا وی مسؤول این خسارت (خسارت ناشی از عدم دادن آگهی) است. اما نکته آن است که در تسبیب عنصر تقصیر وجود دارد و پرداخت خسارت بر مبنای تقصیر موقوف به اثبات سه امر است: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و وجود

56. good faith and equitable performance of contract.

۵۷. در سیستمهای حقوقی کشورهای که اصول حسن نیت و اجرای منصفانه در قراردادها پذیرفته شده اند مانند آلمان، سوئیس و فرانسه، این اصول مبنای اعمال دکتترین دیگری به عنوان دکتترین سختیهای غیر منتظره (L'imprevison) به شمار می روند که اصولاً در قراردادهای اداری (عمومی) کاربرد دارند. مثلاً در سیستم حقوقی فرانسه با اشاره به ذیل ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه که مقرر می دارد: «قراردادها باید با حسن نیت انجام شوند Elles doivent être exécuteas de bonne foi» که به ویژه در قراردادهای عمومی وقتی در نتیجه اوضاع و احوال بحرانهای اقتصادی، اجرای تعهدی چندین برابر آنچه در هنگام انعقاد قرارداد پیش بینی شده هزینه بر می دارد، این مخالف اصل حسن نیت است که متعهد ملزم به اجرای چنین تعهدی باشد که در هنگام انعقاد قرارداد اصلاً در نظر طرفین نبوده است. لذا چنین قراردادی یا باید تعدیل شود یا منحل. در دکتترین سختیهای غیر منتظره، اصول حسن نیت و اجرای منصفانه قراردادها غالب بر اصل الزام آور بودن قراردادها می شوند و لذا نمی توان در جاییکه اوضاع و احوال به گونه ای تغییر می کند که عوضی را که طرفین در ابتدای قرارداد در نظر داشته اند مطلقاً بی معنی می سازد، یک طرف را ملزم دانست که قرارداد را اجرا نماید. چنانچه طرف دیگر موافق با حل و فصل منصفانه نباشد، قرارداد باید منحل شود. بنابراین چنانچه اوضاع و احوال به گونه ای شود که لازم شود یک طرف در اجرای قرارداد فداکاری و تلاشهایی نماید که اصلاً در ابتدای قرارداد پیش بینی نشده بودند با اصل حسن نیت و اجرای منصفانه قرارداد منافات دارد.

رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرری که وارد شده است.^{۵۸} یعنی ضرر وارده باید ناشی از فعل زیانبار باشد و برای اینکه شخص در برابر دیگری متعهد به جبران خسارت گردد باید رابطه سببیت بین فعل زیانبار و آن ضرر وجود داشته باشد. اما عدم دادن آگهی نسبت به وجود قوه قاهره در واقع یک فعل منفی یا به طریقی ترک فعل است که به خودی خود نمی تواند موجب مسؤولیت مدنی باشد و نیاز به مجوز قانونی یا تعهد قراردادی (نوافق) دارد.^{۵۹}

بنابراین برای اینکه بتوان متخلف از اجرای قرارداد را مسؤول خسارتهای وارده ناشی از عدم گزارش وقوع قوه قاهره به طرف دیگر قلمداد نمود یا باید لزوم آن در قانون مقرر شده باشد یا طرفین الزام آن را در قرارداد خود پیش بینی نموده باشند. بدین جهت است که طرفین قراردادها بخصوص قراردادهای بین المللی معمولاً گزارش وقوع قوه قاهره را در قرارداد خود شرط می کنند. این نکته در عهدنامه های بین المللی نیز مورد توجه بوده کما اینکه به عنوان نمونه عهدنامه بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین^{۶۰} در ماده ۷۹ پس از مقرر نمودن قواعد مربوط به قوه قاهره در بندهای ۱، ۲ و ۳، در بند ۴ لزوم دادن آگاهی را بدین صورت پیش بینی می کند: «طرفی که در اجرا قصور می کند باید طرف دیگر را از مانع و تأثیر آن بر قدرت انجام خود آگاه نماید. چنانچه اعلان توسط طرف دیگر در یک مدت زمان معقولی پس از آن مدت که طرفی در انجام قصور نموده از مانع آگاه شده یا باید آگاه می شد، دریافت نگردد، مسؤول خسارت ناشی از چنین عدم دریافتی خواهد بود.»^{۶۱} جالب توجه است که در عهدنامه سلف عهدنامه بیع بین المللی وین یعنی

۵۸. امامی، دکتر سید حسن، «حقوق مدنی»، جلد اول، - صص ۴۱۱ - ۳۹۰.

۵۹. همان منبع، ص ۴۰۱.

60. United Nations Convention on Contracts for International Sale of Goods, 1980.

61. Article 79: (4): "The party who fails to perform must give notice to the other party of the impediment and its effect on his ability to perform. If the notice is not received by the other party within a reasonable time after the



عهدنامه در خصوص «قانون متحدالشکل مربوط به بیع بین المللی کالا (ULIS)، ۱۹۶۴»، علی رغم پیش بینی قوه قاهره در ماده ۷۴، مطلبی در خصوص دادن آگاهی در ارتباط با وقوع قوه قاهره به طرف مقابل وجود ندارد. تدوین کنندگان این عهدنامه در خصوص درج مقررهای مربوط به گزارش قوه قاهره به طرف مقابل معتقد بودند: «گرچه این ایده ظاهراً جذاب است، اما ممکن است مسائل مشکلی را در خصوص اعلان موانع قریب الوقوع یا ممانعت کننده اجرا ایجاد کند، مثلاً چنانچه بیم قطع اجرای قرارداد وجود داشته باشد، آیا طرف قرارداد مکلف به آگاه نمودن طرف دیگر از این بیم می باشد؟»

● نتیجه

۱. درباره آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد باید به این نکته اساسی و عمده توجه داشت که در نظامهای حقوقی نوشته و فرانسه قوه قاهره در سیستم اصل مسؤلیت مقصر (fault liability) مطرح است در حالی که انتفای قرارداد قاعده ای در نظامهای حقوقی کامن لا و انگلستان می باشد که تفکر و ایده مسؤلیت مطلق (absolute liability) حکم فرماست. در سیستم حقوقی فرانسه بار اثبات عدم تقصیر بر عهده کسی گذاشته شده است که متخلف از اجرای تعهدات است و اوست که می تواند به قوه قاهره استناد نماید، ولی در سیستم حقوقی انگلستان دکترین انتفای قرارداد به عنوان یک عامل تعدیل کننده و استثنا بر تئوری مسؤلیت مطلق پذیرفته شده است و به عنوان خاتمه دهنده قرارداد هر دو طرف می توانند بدان استناد نمایند.

۲. در قوه قاهره مسأله این است که آیا حادثه منتهی به قوه قاهره، اجرای



party who fails to perform knew or ought to have known of impediment, he is liable for damages resulting from such non-receipt".

62. Evan McKendrick, (ed): "Force Majeure and Frustration of Contract", Lloyd's of London Press Ltd., 1991, p. 189.

قرارداد یا تعهد را متعذر و ممتنع نموده است یا نه. اما در منتفی شدن قرارداد باید فرض شود که حادثه مطلقاً قصد مشترک طرفین را نفی می کند.

۳. در قوه قاهره مسأله عدم امکان اجرای یک یا چند تعهد یک طرف قرارداد مطرح است، در حالی که در منتفی شدن قرارداد، عدم امکان اجرای تمامی قرارداد. گرچه این دو در مواردی با هم منطبق می شوند و عدم اجرای تعهد در واقع عدم اجرای قرارداد خواهد بود، اما همیشه اینگونه نیست. قوه قاهره ممکن است باعث تأخیر در اجرای قرارداد یا اجرای تعهدی از قرارداد (اجرای قسمتی از قرارداد *partial impossibility*) یا به عبارت دیگر باعث تعلیق اجرای قرارداد شود. عدم امکان اجرای موقت یا قسمتی از قرارداد در حقوق انگلستان شناخته شده نیست و عدم امکان اجرایی که در این دکترین مطرح است تمامی قرارداد را منتفی می نماید که منتهی به خاتمه قرارداد می شود. بنابراین در قوه قاهره موقت یا مؤثر بر قسمتی از قرارداد، متعهد (مدیون) معاف از مسؤلیت پرداخت خسارت ناشی از تأخیر در اجرا خواهد بود، در حالی که در حقوق انگلستان امکان بحث و بررسی اثر موانع موقت یا موانع مؤثر بر قسمتی از قرارداد که بر تمامی قرارداد اثر نمی کنند و آن را خاتمه نمی دهند، وجود ندارد.

۴. در سیستم حقوقی انگلستان موارد بسیاری مطرح می شود که اجرا توسط یک طرف قرارداد غیر ممکن می گردد و تعهد طرف دیگر باقی می ماند. در چنین حالتی در این سیستم حقوقی طرفی که نمی تواند تعهد خود را انجام دهد به قاعده غیر ممکن شدن قرارداد استناد می کند و طرف دیگر به دکترین از بین رفتن کامل عوض (*Total failure of Consideration*) در این صورت دکترین منتفی شدن قرارداد مشابه دکترین قوه قاهره می شود که در کشورهای حقوق نوشته به عنوان دفاع مطرح می گردد.

۵. در قوه قاهره معافیت از مسؤلیت برای پرداخت خسارت مطرح است که این مغایر دکترین منتفی شدن قرارداد است که قرارداد را خاتمه یافته می داند. در سیستم حقوقی فرانسه چنانچه یک طرف قرارداد را اجرا نکند، دادگاه برحسب ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه، قرارداد را منحل یا فسخ خواهد نمود و در

صورتی که قوه قاهره دائماً یا تماماً اجرای قرارداد را غیرممکن نسازد، می تواند تعهد متعهد را تقلیل یا تغییر دهد؛ در حالی که در سیستم حقوقی انگلستان با وقوع حادثه متفی کننده، قرارداد به طور اتوماتیک در زمان وقوع حادثه خاتمه می یابد و مشروط به منحل کردن توسط یک یا دو طرف قرارداد نیست و قاعدتاً آثار متفی شدن قرارداد مربوط به بعد از وقوع حادثه است و تعهدات آینده قرارداد را خاتمه می دهد و اثری بر تعهداتی که باید قبل از حادثه انجام شوند ندارد (به شرط اعمال قانون ۱۹۴۳). به عبارت دیگر قوه قاهره به خودی خود موجب سقوط تعهد نیست، اما دکرین متفی شدن قرارداد، خاتمه و پیش هنگام قرارداد را مقرر می کند و از موجبات سقوط تعهدات (dis charge of contract) محسوب می شود.

۶. به طور کلی مشکلات مربوط به خسارت تاحدی در «قانون اصلاح (قانون قراردادهای متفی شده)» ۱۹۴۳ انگلستان پیش بینی شده اند، اما در سیستم حقوقی فرانسه و ایران بحث چندانی از آنها نیست. البته دامنه محدود قوه قاهره نسبت به دکرین متفی شدن قراردادها اهمیت عملی این موضوع را تاحدی تقلیل می دهد.

۷. در سیستم حقوقی انگلستان، متخلف از انجام تعهد باید ثابت کند که اجرای قرارداد غیرممکن است یا اجرای آن به گونه ای عمیقاً تغییر کرده است که منتهی به اجرای تعهدی غیر از آنچه در قرارداد مقرر شده و در نظر طرفین بوده است می شود. در حالی که در سیستم حقوقی فرانسه، طرف متخلف از تعهد باید تقصیر را نفی کند (اثبات اینکه عدم اجرا به واسطه عاملی غیر قابل پیش بینی یا خارج از کنترل بوده است).

نتیجه نهایی و کلی قوه قاهره این است که خطرات (زیانهای) آینده عدم اجرای قرارداد را بر عهده متعهدله می گذارد و این حالتی است تحمیلی و موضوعی است که در دکرین متفی شدن قرارداد، به لحاظ مشخص شدن وضعیت خسارت طرفین توسط قانون تاحدی حل شده است. بعلاوه، اینکه طرف متأثر از قوه قاهره تکلیفی برای اعلان آن به طرف دیگر ندارد، در پاره ای موارد بخصوص در قراردادهای بین المللی می تواند آثار ناروایی برای طرف دیگر داشته باشد. طرفین

می‌توانند با درج شرطی مناسب و مقتضی در خصوص قوه قاهره در قرارداد، (Force Majeure Clause) با تخصیص این خطرات و آثار با یکدیگر توافق نموده و آن نتیجه تحمیلی را تعدیل نمایند در شرط قوه قاهره می‌توان مقرر نمود که طرفی که می‌خواهد به قوه قاهره استناد نماید، باید وقوع آن را در مدت زمان خاصی به طرف دیگر اعلام کرده باشد. بدیهی است چنین مقرره‌ای توأم با ضمانت اجرا، تقویت‌کننده جو سالم و تفاهم‌آمیز و با حسن نیت طرفین که لازمه همکاریها و مبادلات تجاری بین اشخاص در سطح داخلی و بین‌المللی است، بوده و نیز می‌تواند برای هر دو طرف قرارداد سودمند باشد؛ به طرف دیگر (متعهدله) این فرصت را می‌دهد که آسانتر بتواند در خصوص ایجاد و وسعت قوه قاهره بررسی کند و مانع از این خواهد شد که طرف متأثر (متعهدلهم)، سالها بعد از وقوع قوه قاهره ناگهان در دعوایی بدان متمسک شود.

